



شرق: دانشگاه علوم پزشکی مشهد اواخر مهرماه میزبان جواد اطاعت، نماینده مجلس ششم و استاد دانشگاه شهیدبهشتی، بود که واقعه عاشورا را از زاویه‌ای دیگر بررسی کند. در آستانه اربعین حسینی، متن کامل سخنان این فعال سیاسی اصلاح‌طلب در «شرق» منتشر می‌شود.

حادثه عاشورا از منظرهای مختلف قابل بحث و بررسی است.

۱- بسترهای تاریخی و اجتماعی

۲- فرهنگ سیاسی حاکم

۳- خشونت‌های عرب جاهلی

۴-از منظر قدرت سیاسی حاکم و ویژگی‌های حاکمان (روان‌شناسی حاکمان) که‌مالینکه اگر معاویه به جای یزید بود، بسیار بعید بود چنین اتفاقی روی دهد.

۵- از نگاه اباعبداللهالحسین (ع)

در این‌ گفتار بنا داریم موضوع حادثه عاشورا را از منظر اقداماتی که امام‌حسین(ع) در این رویداد، انجام دادند، مورد توجه و امعان نظر قرار دهیم. قبل از هر موضوعی نکته مهم این است که اقدامات انمه‌معصومین(ع) را باید از منظر رویکردی متناسب با فهم بشری مورد بررسی و ارزیابی قرار داد چراکه فهم انسانی به مباحث ما فوق بشری راه ندارد. از طرفی بنا نبوده است که ائمه امور بشری را با نگاه مافوق بشری خود به انجام برسانند، چراکه در آن صورت آنها نمی‌توانستند نقش الگو را برای انسان زمینی ایفا کنند که‌مالینکه پیامبر مکرم اسلام هم می‌فرماید: انا بشر مثلكم (من هم مانند شما هستم با این تفاوت که به من وحی می‌شود و به شما وحی نمی‌شود).

امام‌علی(ع) هم در نهج‌البلاغه می‌فرماید: آنگاه که وحی بر پیامبر نازل شد، ناله شیطا را شنیدم، عرض کردم یا رسول‌الله این ناله چیست؟ فرمودند: این شیطان است که از پرستش خود مأیوس شده است. هرچه من می‌شنوم تو هم می‌شنوی؛ هرچه من می‌بینم تو هم می‌بینی، تنها فرقی که هست این است که تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من و در مسیر خیر هستی (خطبه۴۶، ص، ۶۲۲). زمانی که پیامبر را غسل می‌دادم فرشتگان به من کمک می‌کردند. دردیوار به ضجه درآمده بود؛ یک دسته از فرشتگان از آسمان پایین می‌آمدند و دسته دیگر بالا می‌رفتند. گوشم از زمزمه فرشتگان که برای آن حضرت صلوات می‌فرستادند تا لحظه‌ای که پیامبر(ص) را در قبر گذاشتم بر شده بود (خطبه ۱۸۸، ص۹- ۲۷۸). وی عنوان می‌دارد از آیشار علم من، معلومات فرومی‌ریزد، به کوه علم پرندهای دسترسی ندارد... (خطبه ۳، ص۳۲)... قبل از اینکه مرا از دست بدهید از من بپرسید زیرا من به مسیرهای آسمان آگاه‌تر از راه‌های زمین هستم. (خطبه ۳۳۳، ص، ۵۸۴). امام‌علی(ع) درباره حوادث آینده ازجمله پیش‌بینی حمله نظامی به بصره نیز می‌فرمایند: ای احف من رئیس زنگی؟ می‌بینم که با سربازان خود که نه غبار دارند، نه صدا، نه هیاهو، نه صدای لجام و نه شیهه اسب به بصره حمله می‌کنند. با سم‌های خود زمین را مانند باغی شترمرغ می‌کوبند... ای مرد بصره وای بر کوچه‌های آباد و خانه‌های زیباتان، خانه‌هایی که کنگره‌هایش مثل بال‌های عقاب و خرطوم فیل است. وای به حال این زیبایی‌ها از لشکریانی که برای گشته‌های خود کریه نمی‌کنند و از غایبان جست‌وجو نمی‌نمایند (خطبه۱۲۷، ص، ۲۹۸)... درباره حمله ترکان به بصره هم می‌گویند: گویا می‌بینم صورت‌های آنان را که مانند سپرچکش خورده است. لباس‌های ابریشم سفید و زیبا می‌پوشند و اسب‌های نیکو را یدک می‌کشند. درآن موقع آن‌قدر کشتار کنند که مجروحان روی کشته‌ها عبور کنند و فراری کمتر از اسیر باشد (خطبه ۱۲۷، ص، ۲۹۸).

با همه این توصیفات امام‌علی(ع) به مثابه انسان معمولی و عادی زندگی می‌کند و مانند سایر زمامداران به رتق و فتق امور مسلمین می‌پردازد که‌مالینکه در نامه خود به «مؤثرین جاود عابدی» که فرماندار حضرت بود و نسبت به مأموریت خود خیانت کرده بود، نوشت: شایسته‌بودن پدرت مرا درباره تو فریب داد. من فکر می‌کردم شایستگی وی را دنبال خواهی کرد و راه او را می‌پیمایی؟ با کمال تعجب خبر یافته‌ام همیشه تحت نظر هوای نفس کار می‌کنی، برای آخرت ذخیره‌ای در نظر نگرفته‌ای، آخرت خود را با آبادکردن دنیای خویش ویران می‌کنی و دین خود را برای احترام خویشاوندانت زیر پا می‌گذاری. اگر این مطالب صحیح باشد شتر فامیل تو و بند کفش پارده بیش از تو ارزش دارد (نامه ۷۱، ص، ۸۳۴). امام علی(ع) تذکرات مردم نسبت به عملکرد خویش را از حقوق خود برمی‌شمارد و عنوان می‌کند هر جا اشتباه کردم آشکار و مخفی، پند و اندرزم بدهید. پیامبر اسلام(ص) هم خارج از این قاعده نیست. ایشان در جنگ تبوک شترش را کم می‌کند و افرادی را برای پیکردن آن مأمور می‌دهد. در جنگ احزاب (خندق) نظر سلمان فارسی را مبنی بر حفر خندق پذیرا می‌شود که نتیجه آن پیروزی مسلمانان است. همین‌طور در جنگ احد با وجود نظر خویش برای ماندن در مدینه و دفاع از شهر در مقابل لشکر کفار نظر اکثریت را می‌پذیرد و در دامنه‌های احد به استقبال دشمن می‌رود و همان‌طور که می‌دانیم در این جنگ مسلمانان شکست سختی را متحمل می‌شوند و حمزه، عموی پیامبر، نیز به شهادت می‌رسند و زمانی که جوانان سرخورده و پشیمان از ارائه پیشنهاد خود می‌شوند، خداوند متعال با نزول آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَلَّ عَلِیُّ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِینَ» شیوه و روش پیامبر مبنی بر مشورت با مردم و پذیرش نظر آنان را تأیید می‌کند. بنابر این اقدامات اباعبداللهالحسین را صرفا از منظر تدبیر امور بشری و انسان زمینی مورد توجه و امعان نظر قرار می‌دهیم.

درباره اقدامات امام حسین سؤالات ذیل مطرح هستند که عبارت‌اند از:

۱- اگر امام‌حسین(ع) تحت فشار برای بیعت قرار نمی‌گرفت، آیا امام بعد

از روی کار آمدن یزید که بر خلاف عهدنامه امام‌حسن علیه‌السلام بر ابرکه قدرت تکیه کرده بود، قیام می‌کرد؟

۲- هدف و فلسفه حرکت امام‌حسین(ع) و هجرت وی از مدینه به مکه

و سپس عراق چه بود؟ اگر صرفا بحث بیعت مطرح بود، آیا امام‌حسین(ع)

نمی‌توانست در همان مدینه در مقابل این درخواست مقاومت کند؟

۳- چرا امام‌حسین(ع) در مقابل بیعت مخالفت می‌کند؟

۴- آیا امام‌حسین(ع) می‌توانست با می‌خواست به گوشه‌ای پناه ببرد و کاری به کار یزید و حاکمان جور نداشته باشد؟ به عبارتی چرا امام‌حسین(ع) مبارزه را انتخاب کرد؟ آیا راه دیگری وجود نداشت که از این فاجعه جلوگیری کند؟

در مقابل سؤالات فوق پژوهشگرانی همچون شهید مرتضی مطهری به استناد وصیتی که امام‌حسین(ع) به برادرش محمد حنفیه می‌کند و می‌فرماید که برای عافیت‌طربی، خودخواهی، ظلم و فساد خروج نمی‌کند؛ بلکه بنا دارند به اصلاح امت جدشان پیامبر(ص) بپردازند و به امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر که از واجبات الهی است، عمل کنند؛ «انی لم اخرج بطرا ولا شرا ولا فسادا ولا ظالما... انما خرجت لطلب الاصلاح فی ائمه جدی... اريد ان امر بالمعروف وانهي عن المنکر»، بنیاد بحث خویش را بر امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر می‌گذارند و کسانی همچون آیت‌الله صالحی‌جنف‌آبادی بر تشکیل حکومت اسلامی؛ اما فرضیه ما بر اساس امتناع از بیعت استوار خواهد بود. با این رویکرد تازدی عاشورا را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

چرا جنگ؟

یزید در نامه‌ای ضمن خبر مرگ معاویه از والی مدینه (ولیدبن عتبہ بن‌ابی سفیان)، می‌خواهد که از امام‌حسین برای او بیعت بگیرد. (البته قبل از آن معاویه با سفری که به مدینه انجام می‌دهد درصد اخذ بیعت برای یزید برمی‌آید؛ اما موفق نمی‌شود). امام‌حسین(ع) بر اساس دستور یزید به دارالحکومه مدینه فراخوانده می‌شود که ایشان به فراست درمی‌یابد معاویه مرده و احتمالا آنها در صد اخذ بیعت هستند.

آیا امام‌حسین(ع)، ذلت همراهی با ظلم را می‌پذیرد؟ نه هرگز؟ «مثلی لا یباع مثله»، فشارها سخت و سنگین می‌شود. «مروان بن حکم» آن سخت‌دل ستیزه‌رو که حقوقی سفاک است با سببیت تمام از در مکایت در آمده از والی مدینه می‌خواهد تا در صورت استکفاف از بیعت، گردن‌ها را بزند؛ اما والی مدینه در این مناقشه بر آن است با تالف و تعطف و یا شاید از اضطراب و اضطراب، از نازله‌ای ناخواسته خودداری کند.

امام‌حسین(ع) تعدادی از جوانان بنی‌هاشم را مسلحانه با خود به دارالحکومه می‌برد. آنها در اطراف دارالحکومه منتظر می‌مانند که اگر خشونتی علیه امام‌حسین(ع) صورت گرفت آنها از امام دقت کنند. امام‌حسین(ع) از بیعت در آن شرایط استکفاف می‌ورزد و به زمان مناسبی احاله می‌دهد و از دارالحکومه مراجعت می‌کند و با استرجاح، خبر از مصیبت بزرگی می‌دهد (اتالله و انالله و ارجعون و علی‌الاسلام‌السلام اذ قد بلیت الامة براع مثل یزید). امام در اواخر

امام حسین (ع) می‌گوید: به خدا قسم اگر در دنیا هیچ ملجا و ماوایی نیابم با یزید بیعت نمی‌کنم. بنابر این حاکم جور امام را بین دوگانه دستی برای بیعت با سری برای عبرت مخیر می‌کند و چون تحت هیچ شرایطی بیعت با یزید امکان ندارد؛ امام تن به جنگ و شهادت می‌دهد. بنابر این عاشورا بیش از آنکه نتیجه اقدامات امام حسین (ع) باشد، نتیجه دیکتاتوری حکومت یزید است

ماه رجب، شبانه با اهل و عیال، زن و فرزند و حتی زن باردار از مدینه راهی مکه می‌شود و در سوم شعبان که زادروز ایشان هم هست وارد شهر مکه می‌شود و تا هشتم ذی‌الحجه در مکه اقامت می‌گیرند. در اینجا هست که کوفیان از امام‌حسین(ع) دعوت به عمل می‌آورند. بنابر این هجرت امام‌حسین(ع) از مدینه به مکه ارتباطی به دعوت کوفیان ندارد، چراکه در آن زمان هنوز دعوتی صورت نپذیرفته بود و چه‌بسا که هنوز کوفیان از مرگ معاویه هم اطلاع نیافته بودند و تنها برای استکفاف از بیعت و از سر اضطراب مدینه را شبانه به سمت مکه ترک می‌کنند. در مدینه امام‌حسین(ع) تنها با موضوع بیعت مواجه هستند؛ اما در مکه بعد از دعوت کوفیان موضوع جدیدی نیز که همان پاسخ به دعوت کوفیان هست، اضافه می‌شود. زمانی که از یک طرف ایشان با فشار برای بیعت و حتی تروار مواجه هستند و از طرف دیگر با دعوت کوفیان، به طور طبیعی، به دعوت پاسخ مثبت داده و مسلم‌بن‌عقیل را راهی کوفه کرده تا شرایط حضور را فراهم کند و خود نیز با تبدیل حج به عمره راهی عراق می‌شوند. آن از طرف حاکمیت جانس، خود را آساده مقابله می‌کند. والسی کوفه (نعمان بن بشیر) در نظقی تهدیدآمیز به مردم همدار می‌دهد اما از شدت عمل هم دوری می‌گیرند. یزید اما عبدالله بن‌یزاد والی بصره که در جهالت، سخافت و خبث طینت کم‌نظیر بود را با حفظ سمت والی کوفه می‌کند تا با کزتابی، متبهنگی و زعارتی تمام از جنبش احتمالی مردم جلوگیری کند. ابن‌یزاد با تهدید و تطمیع اوضاع کوفه را دگرگون می‌کند، مسلم‌بن‌عقیل دستگیر و به شهادت می‌رسد و فضای دعوت و حمایت از حسین (ع) متنفی می‌شود (قلوبهم معک و سیوفهم علیک). امام‌حسین(ع) در بین راه عراق از دگرگونی فضا و شهادت مسلم مطلع می‌شوند. امام‌حسین(ع) در این زمان آیه «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر...» شرایط را به همراهان منتقل می‌کنند. امام زمانی که با عقب‌نشینی و خلف وعده کوفیان مواجه می‌شوند موضوع دعوت را متنفی‌شده می‌بینند و آمادگی پیدا می‌کنند بدون هیچ درگیری و جنگی کوفه را رها کنند. انمه ما به هیچ عنوان موافق جنگ نبوده‌اند. شمر بن ذی‌الجوشن که در لجه بدنامی مظهر خوی شیطانی است به طرف خیمه‌های امام می‌آید تا نظاره‌گر اوضاع باشد. مسلم بن‌عوسجه اجازه می‌خواهد تا با تیری کارش را بسازد؛ اما

سیاست



عسکر، عیبر امیر جرجانی، شرق

منطق علوی اجازه آغاز جنگ را نمی‌دهد. همان‌گونه که علی(ع) در جمل،

صفین و نهروان عمل کرد (لا ترمه فانی اگره ان ابداهم). امام‌حسین(ع) تلاش می‌کنند ناهلان و عهدشکنان را از جنگ منصرف کنند و مذاکراتی که با عمر سعد انجام می‌دهند، می‌خواهند از غائله‌ای که در پیش است، جلوگیری کرده و می‌فرمایند مرا دعوت کردید، من هم آمدم، اگر نمی‌خواهید برمی‌گرم، دعوت شما برای من وظیفه ایجاد کرد، حال که پشیمان شده‌ایم من هم بر می‌گرم؛ اما پاسخ این‌یزاد این است: «با دستی برای بیعت و با سری برای عبرت». عمر سعد که با امام ساعت‌ها مذاکره کرده بود، محجوج از این مقابله با تجاسر اولین کسی است که با پرتاب تیر آغازگر فاجعه‌ای می‌شود که در پس آن خنجر جهالت و شمشیر عداوت بر فرق عدالت فروآید. جنگ آغاز می‌شود و یاران حسین(ع) که با امام ساعت‌ها مذاکره کرده بود، محجوج از این مقابله با تجاسر اولین کسی است که با پرتاب تیر آغازگر فاجعه‌ای می‌شود که در پس آن خنجر جهالت و شمشیر عداوت بر فرق عدالت فروآید. جنگ آغاز می‌شود و یاران حسین(ع) که با دنیا لغتی نداشتند و از بوی قیامت سرمست و سرخوش بودند، یکان دوگان به میدان شتافتند تا با نثار خون خویش و رهایی از کالبد ظاهر در بهشت برین مخلد گردند؛ نافع بن هلال، حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه... و از جوانان هاشمی نخستین کسی که به میدان رفت شاخه‌ای از نهال طوبای آن مولود عاقبت محمود، علی‌اکبر حسین(ع) بود که امام دربراهش فرمود از نظر اندام، شمایل، اخلاق و گفتار شبیه‌ترین به رسول خدا بود. به عبارتی امام و یارانش تنها به جرم دفاع از عقیده خویش به مسلح رفتند و اینجاست که با عمق مظلومیت امام‌حسین(ع) و یاران و همراهانش مواجه می‌شویم. بنابر این آنچه در اینجا باعث جنگ و شهادت امام و یارانش می‌شود فقط استکفاف از بیعت است و نه هیچ چیز دیگر، اما چرا امام‌حسین(ع) از بیعت با یزید استکفاف کرده و با آن مخالفت می‌کند و حاضر به قربانی‌شدن خود و یاران و اسیری اهل‌بیت و خانواده می‌شود؟

در پاسخ به سؤال فوق، موارد سه‌گانه ذیل قابل طرح هستند.

۱- یزید بر خلاف عهد معهود (عهدنامه امام‌حسن علیه‌السلام) جانشین پدر شده و خلافت اسلامی را موروثی کرده است؛ موضوعی که در اسلام فاقد وجهت شرعی و قانونی است؛ اما آیا موروثی‌شدن خلافت اسلامی می‌تواند دلیلی برای این موضوع باشد که امام‌حسین(ع) با یزیدیان وارد جنگ و نهایتا شهادت خود و یارانش شود؟ اگر این موضوع دلیل اصلی ترازدی عاشوراست، چرا سایر ائمه در مقابل این بدعت قیام نکرده‌اند؟

۲- یزید تحت هیچ شرایطی شایستگی و لیاقت حاکم اسلامی را ندارد. اگر این موضوع دلیل اصلی تقابل امام‌حسین(ع) با یزیدیان است، سؤالی که مطرح می‌شود این است که مگر معاویه و سایر خلفای اموی شایستگی و لیاقت داشتند که ائمه معصومین در مقابله با آنان از قیام استکفاف کنند؟

۳- یزید برای اخذ بیعت به زور و خشونت متوسل شد و این درحالی است که انسان مسلمان آزاد آفریده شده است و بیعت اجباری اصولا در اسلام فاقد موضوعیت است، بنابرین به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین عاملی که تحت هیچ شرایطی امام‌حسین(ع) نمی‌توانند با آن کنار بیایید، بیعت اجباری است. آیات قرآنی متعددی مبین آزادی، اختیار و حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش است. در سوره زمر آیت «فَیَشْرِئُ عِتَادَ الَّذِینَ یَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فِیتَتَّبِعُونَ آوْشَهُ» و «ادع الی سبیلِ رَبِّکَ لِجَلَّةِکَ» اَلْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ وَ جَادِلْهُمْ بَالَّتِیْ هِیَ الْحَقُّ» و همچنین آیه «اِنَّ اللَّهَ الْغَفُورُ َحَدَّیْ یَغْفِرُوَا مَا بَانَفْسِهِمْ» در سوره رعد و آیات شورا و مشورت، و «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَیْنَهُمْ»، «وَ شَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَلَّ عَلِیُّ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِینَ» آیه سی‌ام سوره بقره «إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیْفَهِ» که خداوند می‌فرماید: من شما را در زمین خلیفه قرار دادم که برای نمونه، شهید «سیدمحمد باقرصد» در کتاب «خلافةالانسان و شهادةالانبیاء» از اصل خلافت انسان، آنکه برای مردم و مردم‌سالاری را استخراج می‌کند. در مواردی همچون آیه دوم سوره ملک، «الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَیَاةَ لَیَبْلُوْکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» به‌طور غیرمستقیم می‌توانیم آزادی و اختیار انسان را نتیجه‌گیری کنیم چراکه اگر آزادی و اختیار نداشته باشیم، فلسفه معاد موضوعیت پیدا نمی‌کند.

همچنین موضوعاتی مانند حریت، مساوات، عدالت، بیعت، مالکیت انسان بر اموال و انفس و به‌تبع آن حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش، مجامله، کرامت انسان، اصل وفای به عهد، اصل امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، از مواردی است که می‌توانیم اراده آزاد و اختیار انسان بر سرنوشت خویش را استخراج کنیم. بنابرین انسان معتقد به این آموزه‌ها نمی‌تواند مجبور به بیعت شود؛ به‌ویژه بیعت با فردی که فاقد صلاحیت‌های لازم است و برخلاف عهد معهود بر کرسی خلافت تکیه زده است.

نتیجه‌دیکتاتوری

نتیجه آنکه امام‌حسین(ع) با چند موضوع مواجه هست؛ سنت مرده و بدعت احیاشده که امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر طلب می‌کند. دعوت مردم کوفه و پاسخ به دعوت ایشان، بیعت با یزید. آنچه برای ما درباره قیام عاشورای حسینی مسلم و مسلج است، استکفاف از بیعت است. امام‌حسین(ع) می‌گوید: به خدا قسم اگر در دنیا هیچ ملجا و ماوایی نیابم با یزید بیعت نمی‌کنم. بنابر این حاکم جور امام را بین دوگانه دستی برای بیعت با سری برای عبرت مخیر می‌کند و چون تحت هیچ شرایطی بیعت با یزید امکان ندارد؛ امام تن به جنگ و شهادت می‌دهد. بنابرین عاشورا بیش از آنکه نتیجه اقدامات امام‌حسین(ع) باشد، نتیجه دیکتاتوری حکومت یزید است.

و چه زیبا سروده‌است اقبال لاهوری

بر زمین کربلا بارید و رفت / لاله در ویرانه‌ها کارید و رفت
تا قیامت قطع استبداد کرد / موج خون او چمن ایجاد کرد
خون او تفسیر این اسرار کرد / ملت خوابیده را بیدار کرد
رمز قرآن از حسین اخویشم / زآتش او شعله‌ها اندوختم
تا ما از زخم‌هایش لرزان هنوز/ تازه از تکبیر او ایمان هنوز

سیاست

ملت‌واشنگتن

تل آویووریاض

وزیر خارجه قطر به‌تازگی در مراکش اظهار کرد: ترکیه به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای و نیز متحد و شریکی قوی برای قطر باقی خواهد ماند.

۳- دولت کویت که از آغاز بحران، خود را از اعلان جنگ سیاسی علیه قطر دور نگاه داشته، اکنون به‌عنوان میانجی وارد صحنه شده تا به قول خودش اعضای خانواده شورای همکاری را دوباره به هم نزدیک کند. با وجود موضع شدیدی و خصمانه امارات متحده عربی علیه قطر که اخیرا با شرکتی (در ارتباط نزدیک با استیو بنون، مشاور استراتژیک پیشین ترامپ) قراردادی منعقد کرده تا جنگ رسانه‌ای با استفاده از رسانه‌های اجتماعی، علیه دولت قطر راه اندازد و این کشور را در چشم دولت‌های غربی بی‌اعتبار کند
شیخ کویت جانب احتیاط در پیش گرفته تا بتواند از فروپاشی شورای همکاری جلوگیری کند. بحرن کوچک نیز برای عقب‌نماندن از قافله، گاهی سنگی پرتاب می‌کنند؛ و پادشاهش که از ریاض دستور می‌گیرد، اعلام می‌کند که همایش‌هایی که حکام قطر حضور داشته باشند، شرکت نخواهد کرد. ولی شیخ‌صباح‌الاحمد الصباح، امیر کویت، نگران ازهم‌پاشیدگی شورای همکاری است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برای مقابله با امواج انقلاب و جلوگیری از تأثیر آن در شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس با تلاش سعودی‌ها تأسیس شد. شیخ‌صباح اعلام خطر کرده که ازهم‌پاشیدگی ششورا، آخرین پایگاه همکاری عربی را از میان خواهد برد. او در پارلمان کویت گفت: ما باید از خطرات بالارگرفتن بحران آگاه باشیم چراکه ممکن است بحران گسترش یابد.

۴- با استعفای سعد حریری، نخست‌وزیر جوان لبنان، که در سال ۲۰۱۶ با توافق نهایی ایران و عربستان پست نخست‌وزیری را برای بار دوم بر عهده گرفته بود، به‌نظر می‌رسد مهندسی ایجاد بحران دائم در خاورمیانه که از بحران سوریه کلید زده شد، وارد فرایند جدیدی شده است. فرایندی که آمریکای ترامپ، اسرائیل و عربستان سعودی شرکای اصلی این برنامه شوم و ویرانگر برای خاورمیانه‌ای هستند که در ماه‌های اخیر با شکست‌های فاحش داعش و سایر گروه‌های های تروریستی تکفیری- وهابی در سوریه و عراق به ثبات و آرامش نزدیک می‌شود.

سعد حریری که متولد ریاض است و گذرنامه سعودی در جیب دارد، با تشویق‌ها و فشارهای محمدبن‌سلمان، دوست جوان سعودی خود استعفای خود را در ریاض اعلام می‌کند تا کثودشدن یک فصل دیگر از بحران و درگیری و نیز درافتادن با ایران در این مقطع تاریخی کلید بخورد.

۵- بدون شک، تقابل با ایران قدرتمندشده از شکست پروژه تقسیم سوریه و عراق به دست داعش و نیز قدرت‌یافتن حزب‌الله در منطقه و نقش مهمی که در شکست گروه‌های تروریستی ایفا کرد، از علل اصلی استعفای سعد حریری است. روزنامه گاردین خبری را که از حلقه افراد نزدیک به ابواما به بیرون در کرده، منتشر کرده است. براساس این خبر، «پیش از استعفای حریری، برخی از مقامات سابق دولت ابواما گفته بودند که یک‌سری پیام‌هایی برای هماهنگی میان ریاض و واشنگتن برای مقابله نظامی با ایران دریافت کرده‌اند و اعلام استعفای حریری به این نگرانی‌ها افزوده و خطر مقابله قسم‌خورده کشور عزیزمان را افزایش داده است».

طبعاً دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باید با دقت و حساسیت این وضعیت را مورد توجه قرار دهد و ضمن ریزنی با کشورهای همسو و تقسیم‌خورده کشور عزیزمان با اقتدار و کامل نقشه‌های شوم ضدایرانی و ضدمنطقه‌ای را خنثی کند.

ادامه از صفحه ۱۰

اسفندیار کجاست؟

عوامل تخریب مشایی بداندند احمدی‌نژاد وامدار آنان و رسانه‌هایشان نیست و بر این منب لازم است در شیوه‌های غیراخلاقی خود تجدیدنظر کرده و اجازه دهند معانی و مبانی حقیقی رای بی‌تغییر ملت در ۲۲ خرداد ۸۸ مجال بروز خود را در تمامی عرصه‌ها به دست آورد».

شاید همین دفاع جانانه بود که خبری را روی سایت‌های حامی دولت فرستاد: «بهداد به‌زودی معاون مشایی در نهاد ریاست‌جمهوری خواهد شد». این اتفاق همان هفته رخ داد تا پیش‌بینی‌ها خیلی زود رنگ واقعیت بگیرد.

مشایی همچنان محل مناقشه

در آن برهه زمانی حساس، این اسفندیار رحیم‌مشایی بود که دوباره به کانون اختلافات اصولگرایان با دولت نهم بدل شده بود؛ اما عیار مشایی هرچه بیشتر چکش انتقاداتها را می‌خورد، برای رئیس خود، بالاتر و بالاتر محبوب‌تر و «مرغوب‌تر» جلوه می‌کرد. او که روزگاری از دوستی با مردم اسرائیل سخن گفته بود، روزی دیگر در نشست حاضر شده بود که زنان مشغول انجام حرکات موزون بودند و تا آخر هم از جایش تکان نخورد و زمانی دیگر در سازمان تحت امرش که سودای گسترده‌ترکردن آن را داشت با ساز و سرنا قرآن را به روی سن برده بود و در گفتارهایی از چرخش فرشتگان به گرد آسمان ایران خبر داده بود. پیوند خانوادگی دختر او و پسر احمدی‌نژاد هم مدتی نقل محافل و مجالس شد.

۲۸ دی سال ۸۸ مردمی که برای خرید نشریه موردعلاقه خود در روزهای پرمخاطب روزنامه‌ها، به سراغ روزنامه‌فروشی‌ها رفته بودند، با یک نشریه «شبه‌همت» مواجه شدند. «همت»

که برای تکیید بر عدم مشابهت نام خود با سردار خوشنام دوران دفاع مقدس؛ یعنی سردار شهید حاج همت، جمله «هسته‌های مقاومت تائتیک» را در زیر لوگوی خود درج کرده بود، چندی پیش از آن، توقیف شده بود، اما نشریه جدید هم در کنار نشریه توقیف‌شده روی پیشخوان‌ها قرار داشت و از لحاظ طراحی صفحه اول، فرم، صفحه‌آرایی، فونت کلمات و شیوه نگارش کاملاً شبیه نشریه توقیف‌شده بود.

نام نشریه جدید، «موج اندیشه» بود. «همت» پیش از انتخابات به دلیل شماره‌ای که تیت‌نخست آن، «احمدی‌نژادکشون» بود، در بین برخی علاقه‌مندان به رسانه شناخته می‌شد و دلیل انتخاب آن هم، در راستای تاکتیک القای مظلومیت برای رئیس دولت ارزشابی شد.

بعد از انتخابات، این نشریه، یک شماره دیگر هم منتشر کرد که در آن، به تفکیک میان چهره‌های درون نظام دست زده بود و جلد خاصی را با تیتیر «یاران هاشمی» منتشر کرد. «موج اندیشه» با همان طراحی و بلافاصله پس از آن، برخی چهره‌های خاص را به‌عنوان «یاران مقام معظم رهبری» با همان شکل منتشر کرد. در آن مقطع، علامت سؤالی بزرگ درباره گرداندن این نشریه در اذهان عمومی شکل گرفت.

سایت جهان‌نیوز، وابسته به علیرضا زاکانی درباره این موضوع نوشت: «نشریه موهن همت، که توسط یک جریان تقاطعی خاص اداره می‌شود، ثابت کرد که هنوز هم بازار توهین و افترا در جامعه خریدار دارد.

در عکس جلد اولیه این هفته‌نامه که پیش از چاپ تغییر کرده بود، حول چهره یک جانور دریایی، تصاویر مستولان و چهره‌های دینی و سیاسی قرار گرفته بود که پس از تغییر، عکس جدیدی در آن قرار داده شد».
اشارات و «فکت»‌های داده‌شده در این گزارش، انگشت اتهام را به‌سوی برخی افراد خاص در دستگاه اجرایی می‌برد. گزارش فوق البته به‌طور تلویحی، یکی از چهره‌های صاحب نفوذ دولت را به‌عنوان اداره‌کننده این نشریه معرفی کرد: «محافل سیاسی، این نشریه مدعی دفاع از دولت را منتسب به جریان التقاطی می‌دانند که هر چندوقت یکبار، مطالب گستاخانه‌ای را علیه دین و معارف اسلامی بیان می‌کنند».
مشایی مانند همیشه در مقام دفاع برآمد: «بنده نه نشریه‌ای داشته‌ام و نه قرار است داشته باشم. این موضوع را کاملاً تکذیب می‌کنم».
این تکذیبیه در شرایطی عنوان شد که بسیاری از تحلیلگران، اعتراض احمدی‌نژاد به توقیف این نشریات از سوی قوه را، دارای ابهاماتی دانستند؛ موضوعی که در مراسم تودیع و معارفه رؤسای قدیم و جدید ایرنا اتفاق افتاد.

مشایی می‌آید؟

به‌هرتقدیر اسفندیار کابینه، چه در آن روزها و چه امروز، جایگاه مشخصی در کنار رئیس و دوست خود دارد.

حتی اگر منصور ارصی، مداح حامی دولت، پیش از آغاز «مجلس» خود در مسجد ارک در ایام محرم سال ۸۸ با اتاقی که میزبان احمدی‌نژاد بود، خواستار کنارنهادن مشایی شد، باید می‌دانست آب در هاون کوبیدن است، چراکه اسفندیار همچنان مرد دوم پاستور بود؛ مردی که در روزهای پس از انتخابات و در شرایطی که جوهر انتخابات ریاست‌جمهوری دهم خشک نشده بود، ستادهای انتخاباتی امتداد مهر را راه‌اندازی کرده، با مدیریت داماد خود به ایجاد سلاطین پرداخت و در اشارات حامیان دواتشه دولت، گزینهای برای آینده پاستور عنوان می‌شد؛ پیش‌بینی‌ای که در کوران شبنام انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم، به حقیقت پیوست. محمود دست در دست اسفندیار به وزارت کشوری رفت و تا صفر تا صد آن را نیروهای خودش تشکیل می‌دادند. او نمی‌توانست مانند انتخابات سال ۹۶ که بقایى را همراهی می‌کرد، ناگهان دست در جیب خود ببرد و شناسنامه خودش را هم روی میز بگذارد؛ باید یک دوره چهارساله صبر می‌کرد، اما کسی نمی‌توانست مانع آن شود که رئیس‌جمهور وقت، دست رئیس دفتر خود را بالا ببرد، حتی اگر بداند احتمال تأیید صلاحیت او صفر است. هرچه باشد، احمدی‌نژادی‌ها اساسا به نتیجه، توجهی ندارند؛ تکلیف آنها بودن در صحنه با هر ابزاری است.

همین هم غنیمت است. مشایی آن روز نتوانست در فهرست نامزدهای انتخاباتی قرار بگیرد، اما باز هم گذار او به وزارت کشور افتاد. بعد از درخندکاری در اسفند ۹۵ و پیام نوروزی سال ۹۶، نشست خبری برگزار کرد و در «لایو» خود را مقابل دیدگان حیرت‌زده اصولگرایان نمایان.

بعد کم دست در دست محمود و حمید، راهی وزارت کشور

شد و دو بار خود را ثبت‌نام کرد. مشایی از آن روزها به‌بعد، باز هم کمتر آفتابی شده است؛ در شب آزادی بقایى و روز مراسم ترحیم دوستان حلقه خود.

کسی نمی‌داند در شرایطی که دو ضلع مثلث مشهور، احتمالا بیش از اینها در دستگاه قضائی رفت‌وآمد خواهند کرد، آیا اسفندیار خود را در «مقام سخنگویی» خواهد نشانید یا خیر؟